

گزیده ای از مفهوم جایگزین الهیات و تربیتی برای جوانان:

## مسیر میانه: حمام کردن عاشقانه در ماه!

[www.michael-preuschhoff.de](http://www.michael-preuschhoff.de)

وضعیت فعلی این است که دختری از پسری می پرسد: «می خواهی دوست پسر من باشی؟» که به زبان ساده به این معناست: «از باکرگی ام خسته شده ام، واقعاً نمی خواهی گل زدایی کنی؟» یک چیز وحشتناک، ناشایست، بی شرف و روند بدی. از سوی دیگر، اگر دختری از پسری بپرسد: «من تصور می کنم حمام ماه با شما فوق العاده است، آیا شما هم دوست ندارید این کار را انجام دهید، چقدر زیباتر و پیچیده تر خواهد بود؟» تا حد تماس کامل پوست به پوست با هم هستند اما هر دو به گونه ای با هم هستند که دخول و حتی نوازش اصلاً امکان پذیر نیست. مهمتر از همه، چنین تمایلی نشان دهنده تمایل به کاهش ترس و گشودگی برای شناخت درست یکدیگر است. چه کاری نمی توانند آن دو با هم انجام دهند؟ و مهمتر از همه، هر دو همیشه می توانند با شخص دیگری از نو شروع کنند، از جمله عاشقانه کامل، اگر رابطه آنطور که انتظار می رود پیش نرود.

شاید بتوان الگوهای اخلاقی را نیز بین بت پرستان (چند شریک صمیمی) و مسیحی واقعی و همچنین واقعاً رمانتیک ("تنها درست" و این برای همه از طریق روش حمام کردن ماه واقع بینانه تشخیص داد؟ بله، این یک الگوی اخلاقی است که از نظر جذابیت بی رقیب است و می توان آن را به سرعت منتقل کرد، زیرا صرفاً با طبیعت انسانی ما مطابقت دارد و جوانان نیز پس از شناختن آن، آن را می خواهند!

**بنابراین: نکته جایگزین برای جوانان: تمایلات جنسی متفاوت را مصرف نکنید، بلکه آن را پرورش دهید!**

با تصویری مدرن از عیسی، که بالاتر از همه

در مورد نتایج تحقیقات عیسی پروتستان آلمانی به مدت 250 سال

و بر اساس نتایج تحقیقات منتقدان کلیسا و مخالفان کلیسا است که عموماً بسیار با کیفیت علمی بوده و هستند.

## 1. مقدمه: اخلاق جعلی و اخلاق واقعی (جنسی): «موارد کم سواستفاده» فقط نوک یک کوه یخ است.

اگر امروز به اندازه کافی داستان های MeToo وجود دارد، چرا نباید 2000 سال پیش وجود داشته باشد - من فکر می کنم که در آن زمان حتی بدتر از امروز بودند، زنان و به خصوص دختران به معنای واقعی کلمه مورد باج گیری جنسی قرار گرفتند این داستان سوزنازی زیبا در انتهای کتاب دانیال در عهد عتیق کتاب مقدس است. مهمتر از همه، در آن زمان هیچ رسانه رایگانی وجود نداشت که بتواند در نهایت چنین چیزی را افشا کند.

تقریباً مفهوم این موضوع این است که انسان ها دارای پتانسیل بالایی برای اخلاق اصیل هستند، اما متأسفانه این پتانسیل بالا همیشه نه تنها در علم الهیات و تعلیم و تربیت استفاده نشده است، بلکه کاملاً از بین رفته است. صفحه 21 را نیز ببینید!

پس چگونه دختران امروز - به طور خاص - مجبور می شوند تا داوطلبانه کاری را انجام دهند که دو هزار سال پیش به طرز وحشیانه ای باج گیری شده بودند، و حتی متوجه نمی شوند که چگونه آنها را واقعاً سوار می کنند؟ این ترفند در واقع بسیار ساده است: خودتعیین جنسی در پیش زمینه قرار می گیرد، که در واقع چیز خوبی است. اما این شامل آزادی انتخاب بین حداقل دو گزینه است. حالا 1. کسانی که هیچ چیز با اخلاق بالا در ذهن ندارند، الگوی اخلاقی (یا بهتر از آن "الگوی غیر اخلاقی") "جنس قبل از ازدواج با شرکای مختلف" را ارائه می دهند تا زمانی که "حقیقت" پیدا شود، و 2. او - پس - «نیکوکاران» خوب و بسیار اخلاقی به عنوان جایگزینی برای الگوی اخلاقی یک زهد سرسخت و ضد تن در راهبان و راهبه ها. بنابراین جوانان در واقع حق انتخاب دارند و امروزه اکثراً یک انتخاب بسیار آزاد دارند. اما کدامشان؟ چون الگوی اخلاقی نیکوکاران «زهد لا راهب و راهبه» کاملاً غیرجذاب و با دنیا بیگانه و از همان ابتدا برای جوانان غیرقابل انکار است، اصلاً نمی خواهند راهبه و راهبه شوند. فقط می خواهند شریک زندگی مناسب را پیدا کنند، خودشان را جهت گیری می کنند البته، بیشتر در مورد «الگوی غیر اخلاقی جستجوی شریک زندگی» است، که همچنین اطلاعات جنسی سبز و قرمز در مدارس و شرکت تجاری «BRAVO» است. و نه الگوی اخلاقی سرکوب کامل تمایلات جنسی نیکوکاران. این منجر به بی بندوباری مکرر جوانان می شود که در نهایت بسیاری از جوانان واقعاً خوشحال نیستند.

بنابراین این گونه است که دستکاری منجر به خنثی کردن اخلاق عالی می شود - به ویژه از جانب ادیان که الگوی اخلاقی آنها در درجه اول الگوی نیکوکاران است. به صراحت و واضح بگوییم، دختران تقریباً مجبور هستند در تحقیر زنان یا بهتر است بگوییم مسخره کردن زنان! و پسرها و مردها به آن ملحق می شوند، آنها قرار است چه کار دیگری انجام دهند؟ به هر حال، نتیجه این است که "شرکت کنندگان" حداقل در یک نقطه عذاب وجدان دارند - و این هدف است. چون وجدان بد هم جزئی از مدل کسب و کار ادیان است و متأسفانه هم اکنون ما...

قطعاً یک راه میانی جذاب بدون هیچ گونه خطر وجدان بد وجود خواهد داشت، یعنی عدم مصرف تمایلات جنسی متفاوت، بلکه پرورش آن. و همچنین در میان جوانان طنین انداز می شود، و چگونه، پیش گفتار 2 را ببینید! این راه (وسط) مسیر غلبه آگاهانه بر شرم و در عین حال طرفداری از اخلاق عالی است، یعنی آمیزش جنسی فقط در ازدواج صورت می گیرد. اما این راه میانه نه تنها سرسختانه از جوانان با انواع بهانه ها پنهان است یا حتی مستقیماً تحقیر می شود. مثلاً حیا سنگ بنای اخلاق جنسی است و تخطی از احکام شرم ناپسند و از نظر دینی گناه است.

اوه، اکثریت قریب به اتفاق «مذهب‌ها» خودشان «مجرم اخلاقی» نیستند، بنابراین دست خود را با «جنایت فعال» آلوده نمی‌کنند. اما اگر همیشه در مورد بخشش و تسلیت برای زندگی پس از مرگ زمینی است، به دلایل ساختاری، پیشگیری مورد توجه است، یعنی کارهای بد در وهله اول اتفاق نمی افتد، کمتر یا اصلاً اتفاق نمی افتد. بله، بدخواهان حتی می توانند تصور کنند که "مسئولان دین ما" بر اساس ضرب المثل "حصار به اندازه دزد بد است" عمل می کنند، یعنی آنها هیچ علاقه ای واقعی به رفتار اخلاقی مردم از جانب مردم ندارند. به این دلیل که اگر از اعمال مربوطه توبه کنند، درآمد بیشتری از بداخلاقی به دست می آورند و افراد کلیسا می توانند بعد از یک زندگی زمینی که تا حد امکان دردناک است، بخشش و تسلیت دهند. مذاهب، به اصطلاح، مشکلاتی را ایجاد می کنند، جایی که آنها به عنوان ناجیان (تجاری) وارد عمل می شوند. آیا این به نوعی مانند این نیست که پزشکان برای جلوگیری از ابتلای بیماران خود به بیماری ها کاری انجام نمی دهند زیرا درمان این بیماری ها یک مدل تجاری سودآورتر از ارائه مراقبت های پزشکی معقول است تا بیماری ها در وهله اول ایجاد نشوند؟ اما خدا را شکر در پزشکی اینطور نیست، زیرا به خصوص امروزه بدیهی است که همه چیز در وهله اول غلبه بر بیماری هاست!

اما من هیچ تحقیق علمی قابل مقایسه ای پیدا نکردم که آیا آموزش امروز جوانان در مورد شرم "ارزش تغذیه ای اخلاقی" دارد یا نه و احتمالاً در اینجا نیز چیزی وجود ندارد. برای مثال، تجربیات بسیار خوبی در مورد جنبش برهنگی وجود دارد. وظیفه یک آموزش اخلاقی که به اثربخشی مربوط می شود، می تواند به عنوان مثال، انجام تحقیقات بیشتر در مورد آرمان های برهنگی باشد تا سپس یک نگرش اخلاقی آگاهانه به آن اضافه شود. این حتی با اعتقاد ما مطابقت دارد که طبق آن شرم نشانه نفرین (از سقوط انسان) است و عیسی در واقع بر این نفرین غلبه کرد - اگر ما بدون گناه زندگی کنیم. اما "مقامات مذهبی" ما (به نظر من این کلمه تحقیر آمیز اینجا مناسب است) به هیچ کدام از اینها اهمیت نمی دهند. می‌توان این را نشانه‌ای از این بود که اخلاق واقعی جنسی در میان جوانان به وضوح توسط دین ما - و نه توسط سایر مذاهب معروف - زیرا آنها این کار را به همان شیوه انجام می‌دهند - نمی‌خواهد. اگر این یک شلختگی بی وجدان نیست! و آیا این به نحوی به همان اندازه جنایتکار نیست که گویی خود مقامات مذهبی مرتکب آن هستند؟... تلاش برای دستیابی به "باور واقعی به خدا" تمسخر محض است.

البته: به یک معنا، ادیان نیز بنگاه‌های تجاری هستند که می‌خواهند و نیاز به کسب درآمد دارند. متأسفانه، یک کوری عملیاتی خاص نسبت به اقدامات مشکوک ممکن است، به سادگی "زیرا همیشه اینطور بوده است". اما به محض اینکه مقامات مذهبی از وضعیت واقعی آگاه شوند، کفه ترازو باید از چشم آنها بیفتد و آماده باشند تا هر چه سریعتر تغییری ایجاد کنند. اما مقامات مذهبی امروز به وضوح در اینجا متوجه چیزی نمی‌شوند. این فقط می‌تواند به این معنی باشد که آنها نمی‌خواهند به این فکر کنند که آیا هر کاری که انجام می‌دهند معنای معقولی دارد یا نه، و مهمتر از همه، آیا این در روح شخصی است که بر روی صلیب جان باخته است، یعنی در روح عیسی واقعی و ما فقط باید به آن متعهد باشیم - و نه هیچ کس دیگری! اما بیشتر در مورد آن بعد!

یکی از وظایف دین مسیحی ما به ویژه اکنون این است که علیه همه چیز نباشیم، بلکه طرفدار چیز درست باشیم. و در اینجا می‌توان کلیساها را متهم کرد که نمی‌خواهند دقیقاً این کار را انجام دهند - به این دلیل که آنها یک دین مذهبی هستند و مثلاً اخلاق به آنها مربوط نیست (البته این به وضوح یا به ندرت گفته می‌شود، اما من از آن گفته‌ها می‌دانم).

و یک چیز دیگر در مورد مدل کسب و کار: به لطف مالیات کلیسا، این جنبه از دین تا حد زیادی برای ما به پس‌زمینه رفته است، زیرا پول در حال حاضر خود به خود می‌آید، بدون اینکه مردم کلیسا دلیلی برای خواستن آن داشته باشند. اما هنوز هم در ادیان صادق است: هر چه مؤمنان مشکلات شخصی بیشتری داشته باشند، از نظر تجاری برای کلیساها سودمندتر است، زیرا هر چه امید به زندگی پس از مرگ بهتر قوی‌تر می‌شود یا بود. حداقل در گذشته، مؤمنان عملاً تا حد زیادی مطابق با این مدل تجاری رفتار می‌کردند. (احتمالاً ضرب‌المثل‌ها را می‌دانید: «فاحشه در پیری پرهیزگار می‌شوند» یا: «چون به پیری رسید، صومعه‌های پارسا می‌خواند»).

و در مورد جنسیت و گناه: در واقع هر آنچه در رابطه غیر زناشویی اتفاق می‌افتد گناه و حتی گناه بزرگ است. نمی‌خواهم دل کسی را که در رابطه‌ای زندگی می‌کند که در واقع بر اساس معیارهای سخت مذهبی گناه تلقی می‌شود، سنگین کنم، موضوع این نیست. من فقط می‌خواهم چیزی از همان ابتدا بهتر شود و فکر می‌کنم افرادی که روابطشان با قوانین دین ما مطابقت ندارد نمی‌توانند به آن اعتراض کنند.

و من از شما می‌خواهم که در اینجا من را اشتباه نگیرید: البته فقط غلبه بر شرم و مثلاً کنار گذاشتن تنه‌شنا و بی‌کینی اصلاً کمکی نمی‌کند، زیرا البته صرف نظر از نیازهای خاص جوانان کافی نیست بر اساس روحیه آنها به آنها آموزش داده شود. اما شبه اخلاق، شبه اخلاق می‌ماند و شبه اخلاق هرگز نمی‌تواند مبنای یک اخلاق واقعی شود! و هدف باید این باشد که اخلاق واقعی موفق شود، و اگر ما در اینجا موفق باشیم، کوه یخی که "زیر موارد سوء استفاده" است نیز ناپدید خواهد شد.

و اعتقاد من این است که اگر واقعاً بخواهیم این امکان پذیر است، به خصوص که در روح عیسی واقعی نیز خواهد بود!

## 2. پیاده سازی «طبق قواعد علم حسنه» در یک مفهوم آموزشی در سه مرحله:

### 1. اطلاعات در مورد "بدبختی های زندگی" برای جوانان

### 2. تحقیق در مورد علل خرابی و ایده راه حل

### 3. تجربه موفقیت با رویکرد آموزشی جایگزین با جوانانی از فرهنگ های کاملاً متفاوت و توسعه یک مفهوم

پیشگفتار 2: بعد از یک درس، یک بار دانش آموزی پیش من آمد و با غصه گفت که به نظر من کاملاً درست است که رابطه جنسی در ازدواج است و ارگاسم بسیار مهم است. متأسفانه، او این کار را به گونه‌ای دیگر انجام می‌داد، زیرا بهتر از این نمی‌دانست، و به دلیل اینکه شخص اشتباهی بود، بسیار اذیت می‌شد. شاگرد گفت: "و من خودم آن را می‌خواستم!" انگشت اشاره و وسط دو دستم را به هم قلاب کردم، به طور خلاصه به آنها نگاه کردم و پرسیدم که آیا "آن" هم این کار را نکرده است. او پاسخ داد: «البته، اما هیچ‌کس این را نمی‌گوید...» بنابراین، اکنون این را برای دیگرانی می‌گویم که می‌خواهند از همان ابتدا بهتر عمل کنند - و تا حد امکان واضح!

ابتدا می‌خواهم به این نکته اشاره کنم که بیشتر به‌صورت تصادفی یا از روی بی‌نظیری از جانب خودم به برخی رویکردها رسیدم، مثلاً به گفتگو با مادر در صفحه 18 - یا صحبت با دانش‌آموز تازه بازگو کردم در مدرسه واقعاً جرأت نداشتم با در هم تنیدن انگشتانم چنین توصیه‌هایی را آشکارا ارائه دهم و فکر نمی‌کردم لازم باشد. اما پس از مدتی که به عنوان معلم فعال بودم، با دختران یا زنان جوان صحبت می‌کردم که چگونه می‌توانند این کار را به درستی انجام دهند، جایی که با انگشتانم این کار را انجام می‌دادم. من اولین گفتگوی خود را در این راستا چند سال پیش با دانشجویی انجام دادم که در سفری به مراکش دیدم که روی نیمکت پارکی نزدیک دانشگاه در فس با یکی از همدانشجویانش نشسته بود. به نوعی دلم می‌خواست با هر دوی آنها صحبت کنم و بگویم که من معلم دین کاتولیک در آلمان هستم و علاقه‌مندترین دانش‌آموزان من دختران مراکشی هستند (آنها واقعاً بودند) و اینکه آیا می‌توانم با او در مورد کارهایی که این دانش‌آموزان انجام می‌دهند صحبت کنم. خیلی علاقه داشت

البته اون باحجاب خاص می‌خواست بدونه! بنابراین من طبق این شعار به آنها گفتم که به هر حال ما همدیگر را نمی‌شناسیم و به هر حال دیگر هرگز همدیگر را نخواهیم دید، آزادانه عقیده‌ام را بیان کردم که این عیسی اصلاً به دین علاقه‌ای ندارد، اما او متوجه شده است که چگونه زنان در آن زمان با محاکمه دو شاهد و اینکه چگونه می‌خواست آن را با علنی کردن آن تغییر دهد - و چگونه به خاطر آن با قتل قضایی کشته شد، به فحشا باج‌گیری شدند. سرانجام، مخالفان او نیز برای سرپوش گذاشتن بر تعهد واقعی عیسی،

آن را به دین تبدیل کردند. و حتی امروز نیز هیچ علاقه ای به اخلاق واقعی دختران جوان وجود ندارد، فقط این است که اوضاع امروز متفاوت از آن زمان است. بنابراین فقط یک اخلاق نادرست شرم به آنها گفته می شود، اما این در بهترین حالت منجر به ترس های بی معنی می شود. م ن هرگز ندیده ام که دخترانی شروع به رابطه جنسی کنند، زیرا آنها با برهنگی در یک ساحل زیبا (جایی که معمول است) تفریح می کردند. با آگاهی مناسب، حتی برهنگی هم مشکلی ندارد - و مهمتر از همه، آنها فقط از طریق تماس پوست به پوست و بدون دخول می توانند بفهمند که کدام مرد برای آنها مناسب است! زیرا برای تجربه ارگاسم که مهم است، فقط لمس سبک لازم است - اگر شریک مناسب باشد، نیازی به دخول نیست. اما، به گفته من، همه باید در مورد آن بدانند و آن را نیز بخواهند ... و من هنوز می توانم ببینم که چگونه چشمان او روشن تر و درخشان تر شدند - بله، واضح است که او در مورد آن خواب می بیند، به نوعی من چیزی را در روح او لمس کرده بودم. ... و یک زن مسلمان با حجاب، یعنی با این پوشش که فقط صورتش را آشکار می کند! اگر این چیزی نیست!

سپس تجربه مشابهی با یک پیشخدمت زن جوان در مهمانخانه کوچکی در بالی داشتم، که وقتی صبحانه برایم آورد، با او شروع به صحبت کردم - و همچنین با چنین چشمانی درخشان!

چیزی که به ویژه برای من تأثیرگذار بود گفتگو با یک فارغ التحصیل دبیرستان آلمانی شمالی در یک تور جهانی بود که هنگام بازدید از دخمه هایی با استخوان های راهبان فرانسوی که مدت ها پیش در زیر کلیسای فرانسیسکن در لیما (پرو) مرده بودند، ملاقات کردم. وقتی در مورد آزمایش ارگاسم به او گفتم - ما مدتها بود که دوباره در هوای تازه بیرون آمده بودیم - و انگشتانم را به هم وصل کردم، متوجه شدم که این کار خلاف اخلاق او بود، که مشخصاً می خواست بر اساس آن زندگی کند. بعد گفتم: بله، اگر همه چیز را منع کنید، فقط به این می رسید که همه چیز در نهایت انجام شود.

و در کسری از ثانیه، به اصطلاح، صورتش روشن شد و چشمانش نیز شروع به درخشش کردند و من آشکارا او را "برده بودم" - او همچنین به یک تور شهری آمد که من دعوت کردم زیرا ما به همان اندازه داشتیم. سرگرم کننده در آن و در همان زمان می تواند چیزی از لیما را ببینید.

البته، من به این فکر کردم که چرا این سه دختر (برای من آنها دخترانی بودند که مشخصاً "تجربه مردانه" نداشتند) به دلیل ایده های من اینقدر سرخوش به نظر می رسیدند. دانش آموز دیگری را به یاد می آورم که بعد از یک درس نزد من آمد و از ملاقات آینده اش نزد متخصص زنان به من گفت. ابتدا متوجه نشدم او چه می خواهد، اما وقتی پرسیدم، فهمیدم که او فقط می خواهد "آن" را تمام کند و اکنون کسی را "برای آن" پیدا کرده است و می خواهد همه چیز را درست انجام دهد - همانطور که می دانم. امروز اما در آن زمان تصور این را نداشتم که این می تواند دلیل شروع رابطه جنسی باشد. در هر صورت، برداشت من - با نگاهی به گذشته - این است که آن دختر حداقل برای من

واقعاً در مضيقه بود، او اصلاً خوشحال به نظر نمی رسید. و اکنون متوجه می شوم که این سه دختر بسیار سرخوش به نظر می رسیدند، زیرا آنها نیز در یک پریشانی یا پریشانی مشابه بودند، که من اکنون آنها را مانند باری با ایده جایگزینی از آن رها کرده بودم. البته من نمی دانم که آیا من در اینجا به چیزی اساسی دست یافته ام یا خیر. میلی متر

حداقل من با مفهومی از اخلاق بالا برخورد کردم که باید در میان جوانان زمان ما نیز طنین انداز باشد و می توانم آن را هم تعمیم دهم، به خصوص به این دلیل که دختران از فرهنگ های مختلف آمده بودند. بنابراین وقتی صحبت از اخلاق جنسی به میان می آید، همیشه نمی توانید فقط با چیزی مخالف باشید، بلکه مهمتر از همه باید طرفدار چیزی باشید و برای انجام آن باید به جوانان و به ویژه دختران نکاتی را در مورد داشتن اخلاق بالا ارائه دهید. با شادی و هوش بتوانید از همان ابتدا زندگی کنید! مفهوم کامل را ببینید.

### 3. تصویر جایگزین از عیسی

یکی از استادان من، پدر یسوعی، روپرت لی، یک بار گفت که داستان گناهکار در انجیل یوحنا (فصل 8) از بقیه انجیل یوحنا صادق تر است. در اینجا عیسی از سنگسار زنی نجات می دهد که گفته می شود در عمل زنا گرفتار شده بود، یعنی رابطه جنسی با مردی که مال او نبود. طبیعتاً این سؤال مطرح می شود که وقتی زنی به این شکل در حال رابطه جنسی گرفتار می شود، سپس توسط دو مرد (طبق قاعده) دستگیر می شود که مستقیماً به دادگاه می روند تا آن زن در واقع کشته شود؟ این هرگز در عمل اتفاق نمی افتد، حداقل نه به این راحتی! و زمانی که این اتفاق افتاد، یک داستان تنظیم شده بود - که همه چیز طوری تنظیم شده بود که زن بدون اطلاع از پس زمینه در رابطه جنسی شرکت کرد و گرفتار شد و شریک زندگی بدون کشف توانست فرار کند - و بنابراین زن (و فقط زن!) می تواند سنگسار شود.

همه چیز در این داستان به این واقعیت اشاره دارد که این موضوع در مورد یک مشکل اخلاقی نبود، بلکه باید از یک فاحشه مثال زد که به نحوی نسبت به "محافظان" (یا بهتر بگوییم دلالان) خود سرکشی کرده است - همچنین به عنوان هشدار برای آنها دیگر. زن ها تا فکر ساختن هر گونه مزخرفی به ذهنشان نرسد.

داستان دیگری در کتاب مقدس در مورد این موضوع، داستان سوزانای زیبا در ضمیمه کتاب دانیال در عهد عتیق است: در اینجا یک زن مستقیماً توسط دو مرد اخاذی می شود - همچنین با استفاده از چنین "روش دو شاهد". بنابراین به او این انتخاب داده می شود: "یا با ما رابطه جنسی داشته باشی (که به معنای وارد شدن به فحشا بود)، یا تو را گزارش می کنیم زیرا دیدیم که با مردی رابطه جنسی داشتی که مال تو نیست، سپس اعدام خواهی شد."

عیسی باید به خاطر دوستی اش با فاحشه ها چنین داستان های باج خواهی را شنیده باشد - و آنها را علناً گفت و بنابراین مردان مورد نظر را محکوم کرد (بعداً "خطبه های" از آنها ساخته شد که فقط ارتباط بسیار خشن و مبهم با تعهد عیسی داشت). ما می دانیم چه اتفاقی برای او افتاده است (چون مافیایی که در آن زمان پشت آن بود تحمل نکرد).

و کاهنان و متکلمان زمان او نمی خواستند چیزی در مورد این پیشینه بدانند و به سمت دیگری نگاه کردند و بدین ترتیب مافیا را پوشانده بودند.

اکنون فکر می کنم که ما در اینجا با عیسی واقعی و نگرانی واقعی او روبرو شده ایم. این همچنین، حداقل از نظر خارجی، با آنچه تحقیقات عیسی مسیحی آلمانی پروتستان برای بیش از 250 سال کشف کرده است مطابقت دارد: اینکه عهد جدید در مورد عیسی واقعی گزارش نمی دهد، اما عیسی عهد جدید تا حد زیادی یک اختراع است. عیسی واقعی به احتمال زیاد کاملاً با آنچه ما او را می شناسیم متفاوت بود. و سپس آنچه من در اینجا به آن رسیدم مناسب است: عیسی واقعی نگران غلبه بر نارضایتی های آشکار در روابط بین زن و مرد بود که آشکارا در آن زمان معمول بود.

و همان مافیایی که عیسی را کشت، همچنین هوشمندانه تضمین کرد که خاطره او تحریف شود، زیرا آنها به طور طبیعی می خواستند از هر گونه خاطره ای از او جلوگیری کنند - برای مثال با اطمینان از اینکه زندگی نامه عیسی با تمام داستان های معجزه آسا منتشر شده است. تولد باکره و از رستاخیز و عروج، همانطور که ما آنها را از ادیان خدایی که در آن زمان رایج بودند نیز می شناسیم. بنابراین، اطلاعات معقولی در مورد اینکه عهد جدید را چه کسی نوشته، چرا نوشته شده و کجا نوشته شده است، وجود ندارد. در هر صورت، الهی دانان مدت هاست می دانستند که عهد جدید زندگی نامه واقعی عیسی نیست، بلکه ایمان کلیسای اولیه را منعکس می کند، اگرچه کاملاً مشخص نیست که چگونه این اتفاق رخ داده است. آنها همچنین می دانند که نام نویسندگان اناجیل نادرست است. اگر اینجا همه چیز "خوب" بود، قطعاً امروز این اطلاعات را داشتیم.

و امروز چه چیزی برای ما دارد؟ ساده است: در آن زمان، زنان آگاهانه برای داشتن رابطه جنسی اخاذی می شدند - همانطور که در ابتدای مقدمه توضیح دادم، امروزه این کار با ظرافت بیشتری از طریق دستکاری انجام می شود. و "مقامات مذهبی" امروزی به همان اندازه کمی به تغییر دارند - و همچنین از آنچه واقعاً اتفاق می افتد نگاه می کنند. و در زندگی آینده بعد از زندگی دنیوی موعظه بخشش و رستگاری کنید.

نتیجه: نه، ما به عیسی جدید نیاز نداریم، اما روح عیسی واقعی باید بالاخره زنده شود و مؤثر واقع شود و بر روح هر جعل و فریب غلبه شود! و وجود دارد - از همان ابتدا! زیرا مطمئناً کسانی که عیسی را کشتند وقتی دیدند که هدف او ادامه دارد تسلیم نشده بودند! آنها ادامه دادند، اما حالا با تاکتیک های متفاوت. اما در ادامه بیشتر در مورد آن.



#### 4. دین اصلی یهودی در واقع به هیچ وجه یک دین معمولی نبود، بلکه نگرش به زندگی با تصویری فوق مدرن از زنان - و انحطاط به یک دین بود.

دین اصلی یهودی اساساً یک دین آنطور که ما امروز می‌فهمیم نبود، بلکه یک نگرش بسیار روشنگرانه و انسانی به زندگی بود، حتی به معنای کنونی ما. همه چیز تنها زمانی تبدیل به یک دین معمولی شد که نگرش به زندگی فراموش یا سرکوب شد، احتمالاً به این دلیل که کسانی که مسئول بودند به زودی از مزایای بیشتری برخوردار شدند (همانطور که در همه ادیان در مقطعی اتفاق می‌افتد). در هر صورت، دین اصلی یهودی (با نگرش به زندگی) تنها دین است (برای استفاده از اصطلاح "دین" در اینجا):

که در مورد تک همسری واقعی است. مقصود تک همسری است که اجباری نیست، بلکه اتفاق می‌افتد و کاملاً داوطلبانه و با شادی برای آن تلاش می‌شود و نه تنها پس از ازدواج زندگی می‌شود، بلکه تک همسری که واقعاً واقعی است، که در کل فقط یک شریک جنسی وجود دارد، می‌دهد. زندگی (به جز در مورد بیوه شدن). این بدان معنی است که فقط زندگی در این تک همسری نیست، بلکه آماده سازی با چشم پوشی از غرایز قبل از ازدواج است. پس باید اخلاق تک همسری را چنان جذاب کرد که برای جوانان نیز مطلوب باشد.

که در مورد تک همسری واقعی است. مقصود تک همسری است که اجباری نیست، بلکه اتفاق می‌افتد و کاملاً داوطلبانه و با شادی برای آن تلاش می‌شود و نه تنها پس از ازدواج زندگی می‌شود، بلکه تک همسری که واقعاً واقعی است، که در کل فقط یک شریک جنسی وجود دارد، می‌دهد. زندگی (به جز در مورد بیوه شدن). این بدان معنی است که فقط زندگی در این تک همسری نیست، بلکه آماده سازی با چشم پوشی از غرایز قبل از ازدواج است. پس باید اخلاق تک همسری را چنان جذاب کرد که برای جوانان نیز مطلوب باشد. و اگر این تک همسری واقعاً به طور کلی زندگی شود، آنگاه چشم‌انداز هماهنگی بین مردم بدون ترس و در انسانیت بدون ابر نیز تحقق می‌یابد که توسط آرمان‌شهر بهشتی فرهنگی عینیت می‌یابد. داستان بهشت در کتاب مقدس هرگز نباید به عنوان یک رویداد تاریخی در نظر گرفته شود (و همچنین نباید سایر داستان‌های اولیه مانند داستان آفرینش). مسلم است که نویسندگانی که شاید 3000 سال پیش آن را نوشته اند، هرگز آن را «به معنای واقعی کلمه» ندیده اند که ما در کلاس‌های دینی فرزندانمان آموزش می‌دیدیم و آن طور که برخی از فرقه‌ها هنوز هم آن را می‌بینند و تدریس می‌کنند. بلکه داستانی است علیه فحشا در فرقه‌های باروری به احترام برخی خدایان که در زمان نگارش داستان رایج بودند - پس چنین خدای باروری پشت مار است. البته «عبادت» از طریق آمیزش جنسی به معنای نقض مدینه فاضله تک همسری واقعی است و نتیجه آن «شرم از پنهان شدن اعضای بدن» است. این همچنین به این معنی است که پیام داستان آدم و حوا این است که به محض تحقق آرمان‌شهری تک همسری واقعی، این شرم غیرضروری خواهد بود.

ایمان به خدا در درجه دوم اهمیت قرار دارد. چرا که یک خدا اساساً فقط برای این ساخته شده است که برای مردم خود اقتداری داشته باشد که در پس ایده تک همسری قرار می

گیرد و در نهایت نیز برای داشتن استدلالی علیه دیگر خدایان که ظاهراً این فرقه های کمتر انسانی مجبور به پرستش بودند.

مهمتر از همه، دین یهود تنها دینی است که در آن زنان نیز حق تجربه ارگاسم را دارند. برای اینکه تک همسری واقعی عمل کند، البته مهم است که زن به رضایت جنسی نیز برسد، یعنی او نیز ارگاسم را تجربه کند. این به معنای ارگاسم نیست، همانطور که ویلهلم رایش روانشناس آن را می بیند، که می توان با انواع ترفندهای فنی به آن دست یافت، بلکه ارگاسمی است که تقریباً خود به خود از هماهنگی یا همبستگی روح دو نفر ناشی می شود، یعنی فقط با سبک ترین چیزها. لمس و، مهمتر از همه، بدون نفوذ، در اصل حتی زمانی که لباس کامل است. (توجه: این ارگاسم امروز نیز باید هدف باشد، زیرا طبق اطلاعات روزنامه DIE WELT، حداقل دو سوم زنان در تمام زندگی خود هرگز ارگاسم واقعی را تجربه نمی کنند. برای اطلاع: ارگاسم واقعی ربطی ندارد. با این ناله و جیغ، که گاهی از فیلم های پورنو می شناسیم، اما بیشتر با زلزله یا حتی عطسه قابل مقایسه است.)

اگر این دین خارق العاده ای نیست که در آن زمان بر ضد ادیان غیرانسانی ابداع شد و امروز آنچه را که لازم است دارد، همه ادیان دیگر، که در نهایت اغلب فقط پرورش صدمات متحمل شده همراه با فولکلور و خرافات هستند (پس چرا چنین است. منافع و ساختارهای قدرت ادیان مربوطه و نیاز به جدایی خود از دیگران) برطرف می شود! با این حال، من این تصور را دارم که حتی یهودیان معمولاً هیچ ایده ای در مورد آن ندارند.

مشکل در زمان عیسی این بود که این «دین اصلی» یهودی قبلاً به وضوح «دفن» شده بود یا حداقل تا حد زیادی در زمان او فراموش شده بود، و بنابراین هیچ کس از مقاماتی که در آن زمان مسئول بودند، دیگر به آن اهمیت ندادند. دین یهود تا حد زیادی به یک فرقه تبدیل شده بود - و سوء استفاده جنسی تقریباً به یک هنجار تبدیل شده بود. بنابراین این سازنده خانه یا پیمانکار ساختمان عیسی (برای «پیمانکار ساخت و ساز» به «ایدئولوژی عیسی» مراجعه کنید) باید به این موضوع برخورد کرده باشد و اختلاف آشکاری بین ادعا و واقعیت دین یهود دیده باشد و سعی کرده است «دین اصلی» یهودی را بازگرداند. تا زندگی بیدار شود او باید بسیار مورد استقبال هموطنان عادی خود قرار گرفته باشد، اما باید در تأسیس این دین افراد زیادی بوده اند که مطلقاً هیچ علاقه ای به آن نداشته اند.

در هر صورت، با دانش خود به عنوان یک الهی دان و پس از 30 سال تجربه حرفه ای به عنوان معلم، سعی کرده ام آرمان های مدینه فاضله قدیمی یهودی را در این اثر در یک مفهوم مثبت ترکیب کنم تا برای جوانان قابل دسترسی باشد. زیرا جوانان هنوز آرمان هایی از چنین آرمان شهری دارند و اگر بدانند دوست دارند آن را زندگی کنند. و فکر می کنم اینجا خیلی بد نیستم! متأسفانه، زمانی که من معلم بودم، همه چیز به طور کامل توسعه نیافته بود.

## 5. دختری در مورد چگونگی انجام این کار خود با پرورش تمایلات جنسی صحبت می کند.

«آیا وقتی صحبت از اخلاق جنسی به میان می آید، جامعه‌ای دروغگو نیستیم؟ برهنگی در انظار عمومی مورد نادیده انگاشتن و حتی مجازات است، اما اگر آن را درست انجام دهید، می تواند سرگرمی کاملاً بی ضرر و نشانه‌های واقعی باشد! اما رابطه جنسی با شرکای مختلف پذیرفته شده است، اکنون طبیعی و نشانه‌های تلقی می شود، حتی امروز در مدرسه برای آن دستورالعمل می گیریم! اما اغلب روابط ناخوشایند مرگبار و اغلب آسیب های مادام العمر را به همراه دارد، و مردم به دخترانی می خندند که همه چیز را در اینجا باور می کنند و اجازه می دهند با آنها صحبت شود و بنابراین به آن پیوندید - فقط باید "جوک های بلوند" را در گوگل جستجو کنید. حتی به اصطلاح اثبات عشق هم برای من مطرح نیست، همه اینها فقط نشانه حماقت است. با وجود اینکه بسیاری از مردم می گویند "آن" یعنی دخول بدون ازدواج یا بدون سند ازدواج، یک زن نیز باید چیزی پشت سر خود داشته باشد که نشانه بلوغ و بزرگسالی او باشد - من مجبور نیستم در اینجا چیزی پشت سر داشته باشم. واقعاً به آن نیازی ندارم، و من هم شاخ نیستم. و همچنین: به گوگل زیر «حراج» و «باکرگی» نگاهی بیندازید تا ببینید برخی از دختران باکرگی خود را در اینترنت با چه قیمت هایی عرضه می کنند، پس ارزش آن چقدر است! و بیشتر دختران چیزی بسیار گران بها را مانند پارچه کتیف دور می اندازند. اما با پول یا بی پول برای من مطرح نیست، من یک عوضی ساده لوح و احمق و غیره نیستم که به خودم اجازه بدهم انواع مزخرفات را به خودم بگویند، مثلاً رابطه جنسی با دیگری یا با کسی غیر واقعی شوهر نشانه روشنگری و رهایی خاص است. و من ذهنیت برده ای هم ندارم! در دوران برده‌داری، برده‌های زن همیشه به‌عنوان برده جنسی توسط صاحبانشان استفاده می‌شدند، و زمانی که جذابیت جوانی آن‌ها از بین رفت، آنها را با برخی از برده‌های مرد جفت می‌کردند تا فرزندان برده را به‌عنوان دستگاه زایمان برای صاحبان بیابورند. بنابراین آنچه را که زنان و دختران بی‌شماری در زمان‌های گذشته به عنوان برده مجبور به انجام آن می‌کردند، دختران امروزی دقیقاً همان کار را داوطلبانه انجام می‌دهند. اما نه در من! زیرا برای من همه اینها سوء استفاده از تمایلات جنسی است. برای من، این رابطه جنسی بدون ازدواج بیشتر شبیه یک برده است. در واقع، آنچه من اینجا می گویم برای دوستان من نیز واضح است، اما چرا آنها هنوز شروع به رابطه جنسی می کنند؟ چه کسی آنها را دستکاری کرده است که به نظر می رسد آنها اینقدر به ناموس و حیثیت و سطح خود اهمیت نمی دهند؟

در هر صورت من می خواهم در زندگی خود تک همسری واقعی و عشق واقعی داشته باشم. با این کار، من قطعاً از طبیعت پیروی می کنم و چون طبیعت آن را طوری تنظیم کرده است که از طریق دخول، فرزندان «آفریده شوند»، برای من دخول در ازدواج است. اتفاقاً، اورتگا ای گاست، فیلسوف اسپانیایی می‌گوید که آمیزش جنسی با پس‌زمینه عشق واقعی، اگر بتواند یا حتی باید در کودک «مادی‌سازی» شود، به‌ویژه رضایت‌بخش است. و اگر قرار است رابطه جنسی داشته باشم، پس من نمی خواهم هر خرگوشی بپرَد، من یک مهمانی واقعی می خواهم!

با این حال، انجام هیچ کاری و مهمتر از همه، نادیده گرفتن هر چیزی که به تمایلات جنسی مربوط می شود، به سادگی غیر واقعی است و ممکن نیست! زیرا هرکس در اینجا مخالف همه چیز باشد، روزی غافلگیر خواهد شد و در نهایت همه چیز را انجام خواهد داد. من فقط می خواهم یک راه میانه معقول را انتخاب کنم: تفاوت جنسی را سرکوب نکنم، بلکه آن را پرورش دهم. به همین دلیل است که من قطعاً برای برهنگی بهشتی باز هستم - مخصوصاً در حضور مردان واقعاً اخلاقی، جایی که این امکان وجود دارد و سوء تفاهم وجود ندارد. از آنجایی که ترس معمول ما از برهنگی تنها نشان دهنده عدم اطمینان ما در مسائل اخلاقی جنسی است، از عادی بودن بین دو جنس جلوگیری می کند و هیچ کمکی به اخلاق واقعی نمی کند و به عنوان یک ترس غیرمنطقی معمولی، تنها ابزار قدرت (به ویژه) است. ... ادیان!) و یک آسیب معمولی به تمدن که مانع رهایی واقعی می شود. همچنین نشانه بیماری روانی است. چقدر دوست دارم در چنین روز دوچرخه سواری برهنه ای شرکت کنم اگر (<https://basisreli.lima-city.de/radler/radlerinnen.htm>) جایی در دسترس من بود. این نشانه رهایی

موفق است! البته، باید مطمئن شوید که شما دچار سوء تفاهم نشوید که بخشی از رهایی است. و حتی از قبل رانندگی آزادانه را تمرین می کردم تا حداقل بتوانم هر از چند گاهی دست هایم را بالا بیاورم و انگشتانم را در علامت V در برابر طاغوت ها، یعنی علامت پیروزی، باز کنم! مطمئناً شما باید بتوانید در مورد همه اینها صحبت کنید و فکر می کنم من می توانم صحبت کنم زیرا استدلال های خوبی دارم. و اگر نمی توانید اینجا منطقی صحبت کنید، می توانید با من صحبت کنید!

اما این همه ماجرا نیست! من همچنین می دانم که دو سوم از همه زنان هرگز در زندگی خود ارگاسم واقعی را تجربه نمی کنند - و من نمی خواهم از آن دسته افرادی باشم که مرد فقط خروس خود را در آن فرو می برد و دوباره آن را مانند یک برده بیرون می آورد و من از آن چیزی نگریدم و فقط احساس کسالت یا حتی بی میلی کنید. پس می خواهم ارگاسم را تجربه کنم نه با هر مردی و گاهی با پنهان کاری و خیانت و دروغ و ریا، بلکه با شوهرم و هر وقت که هر دوی ما هوس کنیم! بله، وقتی واقعاً عاشق هستید، چه چیزی درون شما می سوزد؟ هیچ چیز "درون" نمی سوزد، هر چیزی که می سوزد فقط بیرون است. پس باطن تحت هیچ شرایطی مطرح نیست، تا ازدواج وقت دارد! ....

بله، من یک مهتابی واقعاً فوق العاده را با عزیزم تصور می کنم. بنابراین او در کنار من دراز کشیده بود، بیرون در یک چمنزار. و ماه بر تن برهنه ما می درخشید و ما دست در دست هم به اصطلاح زیر نور ماه غسل می کردیم. و وقتی هوا سردتر می شد، دوباره لباس می پوشیدیم و به خانه می رفتیم، هر کدام از ما خوب بودیم، و رویای آینده هماهنگ خود را با هم می دیدیم... ادامه در متن "راه میانه" در [www.michael-preuschoff.de](http://www.michael-preuschoff.de)

توجه: نویسنده یک الهیات کاتولیک است و قبل از بازنشستگی معلم دینی مدرسه حرفه ای بوده است. ایمیل: [hpreuschoff@gmx.de](mailto:hpreuschoff@gmx.de)